

اربعین

بیانات حجت الاسلام والمسلمین
محمد جواد حاج علی اکبری
پیرامون اربعین حسینی



الله الرحمن الرحيم

دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری
در اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان

پاییز ۱۳۹۶



- آغاز سخن ۵
- اربعین حسینی آغاز جاذبه مغناطیس حسینی است ۵
- فصل اول اربعین در فرهنگ اسلامی** ۷
- فصل دوم زیارت اربعین** ۱۱
- چند نکته درباره‌ی زیارت اربعین ۱۲
- زیارت اربعین، یک زیارت منحصربه‌فرد ۱۲
- فضیلت زیارت امام حسین (سلام الله علیه) ۱۳
- ثواب پیاده رفتن به کربلا ۱۵
- فصل سوم زیارت‌نامه اربعین** ۱۷
- زیارتی استثنایی ۱۸
- ویژگی‌های متن زیارتی اربعین ۱۸
- سیری در فرازهای زیارت‌نامه‌ی اربعین ۲۰
- فصل چهارم همایش جهانی شیعه** ۲۳
- زیارت اربعین، همایش جهانی شیعه ۲۴
- هوشمندی شیعه در زیارت اربعین ۲۴
- آثار فردی و اجتماعی زیارت اربعین ۲۷
- برای زیارت اربعین نباید بدل‌سازی کرد ۲۹
- لزوم مطالعه درباره‌ی اربعین ۲۹
- اربعین، مانور معنویت در دوران جاهلیت ۳۰
- کربلا، نقطه‌ی عطفی برای نجات بشریت ۳۰

- تلاش غرب برای بایکوت راهپیمایی اربعین ۳۱
- تفاوت اربعین با سایر اجتماعات ۳۲
- تجلی جلوه‌های زیبای اخلاق اسلامی در اربعین ۳۴
- عشق حسین، ذخیره‌ی الهی برای عصر حاضر ۳۵
- یگانه راه نجات ۳۶
- شباهت‌های دفاع مقدس و اربعین ۳۸
- فیض عرفانی اربعین ۳۹
- سازماندهی ولایی اربعین ۴۱
- اربعین محصول کار زینب است ۴۲
- رسالت اربعین ۴۳
- رابطه‌ی اربعین و ظهور ۴۳
- انقلاب ایران، زمینه‌ساز اتفاق بزرگ ظهور ۴۵
- پیام‌های اربعین برای دوستان و دشمنان ۴۵
- نقش اربعین در تقویت اتحاد و همدلی شیعیان ۴۶
- فصل پنجم وظایف شیعیان در قبال اربعین ۴۹**
- تلاش برای شناخت همه‌جانبه‌ی اربعین ۵۰
- شکرگزاری ۵۱
- تقویت همایش اربعین به هر شکل ممکن ۵۱
- خودسازی روحی، مهارتی و جسمی ۵۳
- جهانی فکر کردن و جهانی عمل کردن ۵۴
- اطاعت و یاری ولی‌فقیه جامع‌الشرایط ۵۵

آغاز محضر

اربعین حسینی آغاز جاذبه مغناطیس حسینی است

پدیده‌ی بی‌نظیر و بی‌سابقه‌ای در این سال‌های اخیر به‌وجود آمده و آن، پیاده‌روی میان نجف و کربلا یا بعضی از شهرهای دورتر از نجف تا کربلا است؛ بعضی از بصره، بعضی از مرز، بعضی از شهرهای دیگر، پیاده راه می‌آفتند و حرکت می‌کنند. این حرکت حرکت عشق و ایمان است؛ ما هم از دور نگاه می‌کنیم به این حرکت، و غبطه می‌خوریم به حال آن کسانی که این توفیق را پیدا کردند و این حرکت را انجام دادند.

گرچه دوریم به یاد تو سخن می‌گوییم

بُعد منزل نبود در سفر روحانی

این کسانی که این راه را طی کردند و این حرکت عاشقانه و مؤمنانه را دارند انجام می‌دهند، واقعاً دارند حسنه‌ای را انجام می‌دهند. این یک شعار بزرگ است، لا تُجَلُّوا شَعَائِرَ اللَّهِ، این بلاشک جزو شعائرالله است. جا دارد که امثال بنده که محرومیم از این جور حرکت‌ها عرض بکنیم که «یا لیتنا کنا معکم فنفوز فوزاً عظیماً». همان‌طور که عرض کردیم، این حرکت حرکت عشق و ایمان است؛ هم در آن ایمان و اعتقاد قلبی و باورهای راستین، تحریک‌کننده و عمل‌کننده است؛ هم عشق و محبت. تفکر اهل‌بیت و تفکر شیعی همین‌جور است؛ ترکیبی است از عقل و عاطفه، ترکیبی است از ایمان و عشق.

به‌هرحال کار بسیار مهمی است، کار بزرگی است؛ این حرکت عظیم مردم از ایران، از کشورهای دیگر اسلامی، از هند، از اروپا، حتی از آمریکا و کشورهای دیگر، از راه‌های دور، افرادی می‌آیند در این راه‌پیمایی شرکت می‌کنند؛ دو روز، سه روز بیشتر یا کمتر - در این راه، پای پیاده حرکت می‌کنند؛ مردم عراق هم انصافاً با کمال بزرگواری و محبت پذیرایی می‌کنند از این‌ها؛ خیلی حرکت عظیم و پرمعنا و پرمغزی است و کسانی که موفق می‌شوند باید مغتنم بشمارند.

مقام معظم رهبری

۱۳۹۴/۰۹/۰۹

فصل اول

در بعینه در فرهنگ اسلامی

در فرهنگ قرآنی و اسلامی، «اربعین»، یک دوره‌ی سلوک است که به نقطه‌ی کمال می‌رسد؛ یعنی یک روز خاص نیست، بلکه یک دوره است و از نقطه‌ای آغاز می‌شود و قدم‌به‌قدم به اوج که همان روز چهلم است می‌رسد. به یک دوره‌ی رشد که با هدف کمالی مشخص سپری می‌شود، اربعین می‌گویند. در قرآن کریم و روایات، هم به چهل روز و هم به چهل سال اشاره شده است.

در مورد روز، روایت معروفی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده که فرمودند: «مَا أَخْلَصَ عَبْدٌ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا إِلَّا جَرَتْ يَنَابِيعُ الْحِكْمَةِ مِنْ قَلْبِهِ عَلَى لِسَانِهِ»^۱ اگر کسی چهل روز خود را برای خدای متعال خالص کند - یعنی ذات، صفات و افعالش را برای خدا خالص سازد - خدای حکیم به او حکمت کرامت می‌کند که این حکمت از قلب او جوشیده و بر زبانش جاری می‌شود.

یا وعده‌ی خدای متعال به حضرت موسی بن عمران (علیه السلام) در آن سیر خاص این بنده‌ی برگزیده نیز با کلمه‌ی اربعین بیان شده است: «وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَاهَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً»^۲ و با موسی سی شب وعده کردیم و آن را به ده شب دیگر کامل کردیم، و وعده پروردگارش چهل شب تمام شد. «أَتَمَمْنَاهَا» کلمه‌ی ظریفی است که بیان می‌دارد در آن قرار و وعده‌ی سی شب، چیزهایی بین این بنده و خدای متعال می‌گذرد که از دلدادگی و معاشقه حکایت دارد.

در دوره‌ی کمالی، عدد چهل در مورد سال نیز آمده است. در سوره‌ی مبارکه‌ی احقاف و در حکایت سیر انسان در سال‌های

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۲۴۲.

۲. اعراف: ۱۴۲.

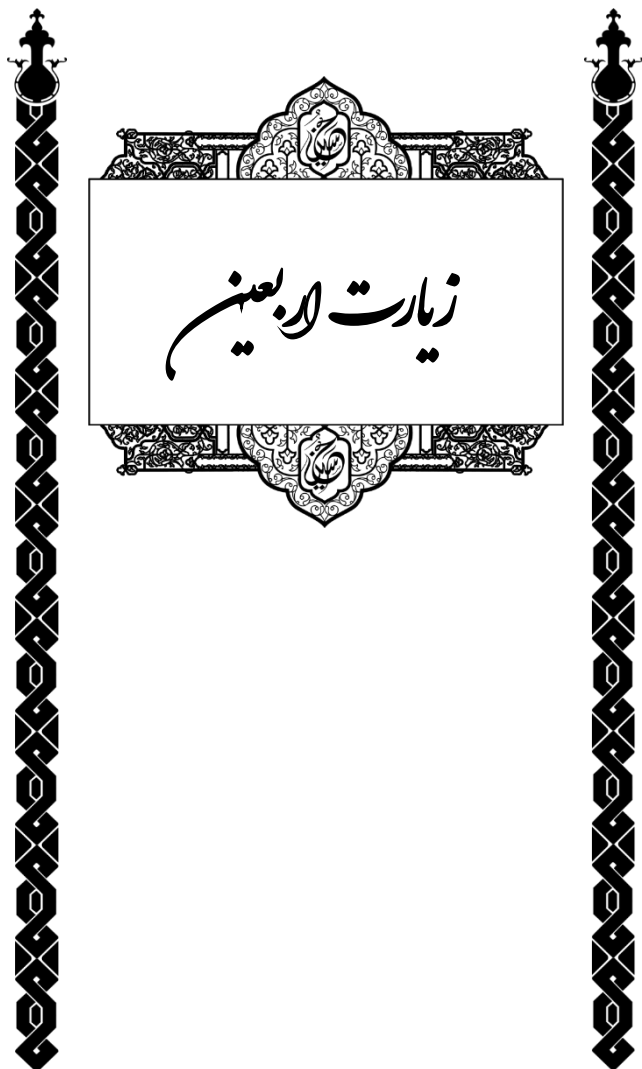
عمرش آمده است: «حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ؛^۳ تا آنگاه که به رشد کامل خود برسد و به چهل سال برسد، می‌گوید: پروردگارا بر دلم بیفکن تا نعمتی را که به من و به پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای، سپاس گویم». این چهل سالگی بعد از بلوغ جسمی و جنسی آمده و شخص از طرف قوا بالغ شده است و در این مرحله، بلوغ روحی و فکری و عاطفی و شخصیتی پیدا می‌کند.

اگر کسی به اینجا رسید، باید به بلوغ روحانی رسیده باشد و از جهت فکری، روحی و ایمانی به اوجش دست یافته باشد و علائم آن در همین آیهی کریمه مطرح شده که عبارت است از: ارتباط دوستانه با خدای متعال، تمنای دستیابی به مقام شکر، و توبه. در کنار اینها مقام تسلیم را نیز دارد و به تعبیری مبانی فضیلت‌ها را او به کمال رسیده است.

برای بار یافتن به رتبه‌های سلوکی، معمولاً چهل به عنوان نماد دستیابی به رشد و پختگی شناخته شده است. در بین اهل سیر و سلوک می‌گویند اگر کسی یک چله بر عملی مداومت کند، آن عمل در شخصیت او راسخ می‌شود و حظّ آن را می‌برد. این یک امر شناخته شده است. مثلاً کسی چهل سحر بیدار شود و موفق به نافله‌ی شب شود، به حظّ خاصی دست خواهد یافت یا اگر کسی چهل روز موفق شود بین الطلوعین بیدار باشد و مراقبت به ذکر کند، یا اگر کسی چهل روز بر تلاوت قرآن کریم مداومت داشته باشد، آثار خاصش را خواهد دید.

البته برخی می‌گویند کلمه‌ی اربعین حکایت از امتداد تا رسیدن به وضعیت استقرار دارد و ممکن است پنجاه یا شصت شود و خود چهل موضوعیت ندارد؛ بلکه طریقت دارد؛ اما اهل‌الله می‌گویند اربعین موضوعیت دارد. آنها که اهلش هستند، رعایت می‌کنند و به چیزهایی نیز می‌رسند.

فصل دوم



زیارت اربعین

چند نکته درباره‌ی زیارت اربعین

زیارت اربعین، یک زیارت منحصر به فرد

کلمه‌ی اربعین غیر از آنچه گفتیم، جزء خصائص حسینیّه است و ظاهراً در ارتباط با اولیای خدا، نمونه‌ی دیگری نداریم و این خاص حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) است. سیدالشهدا (علیه السلام) یک سری ویژگی‌ها دارد که فقط برای خودشان است. خدا مرحوم آیت‌الله العظمی جعفر شوشتری را رحمت کنند که کتابی باسلیقه نوشته‌اند که کار خاص و دیدنی است و معلوم است به ایشان افزوده شده است. من از ایام جوانی به این شیخ بزرگ ارادت خاص دارم و هر وقت نجف اشرف جهت زیارت مضجع مولایمان علی ابن ابیطالب (علیه السلام) مشرف می‌شوم، مقید هستم که بر سر مزار این بزرگوار هم بروم. مقبره‌ی ایشان الان در بخشی که جدیداً به حرم اضافه شده قرار گرفته و به یک ستون تبدیل شده که پایین ستون، اسم شریف ایشان نوشته شده است. شیخ شوشتری خیلی بزرگوار است و مخصوصاً در ارتباط با ساحت قدس حسینی، به معنای دقیق کلمه، یک فقیه روضه‌خوان است و به نظر می‌رسد که عطیه‌ای الهی به او داده‌اند. ایشان یک کتاب جمع‌آوری نموده و اسمش را «**خصائص الحسینیّه**» گذاشته‌اند. یکی از خصائص حسینی، اربعین است که هیچ پیامبر و امامی نداشته است.

از امام عسکری (علیه السلام) نقل شده که مؤمن پنج ویژگی دارد که یک مورد آن، زیارت اربعین است.^۴ منظور از زیارت اربعین این

۴. امام حسن عسکری (علیه السلام) فرموده‌اند: «علامات مؤمن پنج چیز است: ۵۱ رکعت نماز گزاردن در هر شب و روز (۱۷ رکعت نماز واجب و ۳۴ رکعت نافله)، و زیارت اربعین، و انگشتر در دست راست کردن، و بر خاک سجده نمودن، و بلند گفتن بسم الله الرحمن الرحیم». حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۳۷۳.

است که در چهلمین روز شهادت سید و سالار شهیدان که بیستم ماه صفر الخیر و صفر المظفر است، به زیارت مضجع تابناک حضرت در کربلا برویم.

این ویژگی که حضرت نقل فرمودند، با یک قطعه‌ی تاریخی هم تناسب پیدا کرده و آن اینکه چهلمین روز شهادت سیدالشهدا (علیه السلام)، گویا اولین کسی که موفق به زیارت رسمی مضجع حضرت شد، صحابی نامی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) جناب جابر بن عبدالله انصاری بود. جابر این توفیق را پیدا کرد که به اتفاق شخصی که سَمَتِ شاگردی و رفاقت او را دارد، اما انسان برگزیده‌ای به نام عطیه است، به زیارت در چهلمین روز شهادت نائل شود.

طبق نقل مشهور، کاروان حسینی نیز در بازگشت از شام در همین روز به زیارت مضجع تابناک حضرت مشرف و موفق شدند؛ البته برخی می‌گویند در اربعین سال دیگری بوده، اما تقریباً می‌شود گفت قول مشهور این است که در اربعین اول بوده و در همان روز که جابر آنجا بوده، امام سجاد (علیه السلام) و زینب کبری (سلام الله علیها) به همراه اهل بیت وارد کربلا شده و زیارت کرده و ظاهراً اقامتی سه‌روزه نیز داشته‌اند.

فضیلت زیارت امام حسین (سلام الله علیه)

در روایات برای زیارت سید و سالار شهیدان، آثار و برکات عجیبی نقل شده است؛^۵ به طوری که انسان در نگاه اول از فراوانی آثار دنیایی و آخرتی و ظاهری و باطنی این زیارت حیرت می‌کند. برخی که ظرفیت داشته‌اند، پاداش حج را می‌برند.^۶ برای کسی که ظرفیت بیشتر دارد، هزار حج و عمره بیان شده است. اگر کسی عمر نوح داشته باشد، شاید بتواند هزار حج مشرف شود، اما این

۵. ر.ک: اسماعیل معزی ملایری، جامع احادیث المعصومین، ج ۳، ص ۶۹-۳۶

۶. شیخ صدوق، ثواب الاعمال، ص ۹۲.

پاداش را به کسی می‌دهند که فقط یک بار، عارفانه و عاشقانه، به زیارت امام حسین (علیه السلام) برود. در روایت دیگری گفته‌اند: «کَمَنْ زَارَ اللَّهَ فِي عَرَشِهِ»^۷ یعنی اگر کسی به این زیارت مشرف شود، بهره‌ی خاص او در مراتب توحیدی و اتصال به مقام قدس ربوبی، مانند این است که به دیدار خود حضرت حق مشرف شده است. زائر حسینی، به دعای سیدالشهدا و امیر مؤمنان (علیهما السلام)، مورد مغفرت و عنایت حضرت حق قرار می‌گیرد. استقبال‌کننده‌ی او نیز حضرت زهرا (سلام الله علیها) است.

از این تعبیر معلوم می‌شود ائمه‌ی هدی (علیهم السلام) خواسته‌اند دوستان ایشان از باب عشق به اولیای خدا، اگرچه در دورترین نقاط عالم باشند، این زیارت را بر خود فرض کنند و واجب عاشقانه بدانند و خود را به کربلای معلی برسانند.

از روایات اهل بیت و مخصوصاً امام رضا (علیه السلام) استفاده می‌شود که زیارت، عهد و پیمانی است که از شیعیان گرفته شده^۸ و در این میان، کربلا جایگاه ویژه‌ای دارد.

در روایتی امام صادق (علیه السلام) از شیعیان گلایه می‌کند که چرا دو سال به زیارت امام حسین (علیه السلام) نرفته‌اند؟!^۹ حضرت با زبان شکوه در مورد آنان سخن می‌گویند و بیان می‌کنند چه فرصتی را از دست داده و چقدر محروم شده‌اند. از این روایت استفاده می‌شود که تشرّف به کربلا منوط به فراهم شدن امکانات و وضعیت خاصی نیست؛ بلکه زیارت امام حسین (علیه السلام) باید در متن زندگی

۷. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۱۰۵.

۸. امام رضا (علیه السلام) فرمود: «هر امامی بر گردن اولیا و شیعیانش پیمانی دارد که وفای به آن وقتی تمام و کامل است که قبرهایشان زیارت شود. پس کسی که امامان را مشتاقانه زیارت کند و به آنچه مورد خواست و رغبت آنان بوده تصدیق داشته باشد، امامانش در روز رستاخیز شفیع او خواهند بود». حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۲۲.

۹. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۲۹۶

شیعیان قرار گیرد؛ زیرا آثاری دارد که در هیچ برنامه‌ی دیگری وجود ندارد.

انسان باید زیارت تمام اهل‌بیت (علیهم السلام) را از خدای متعال بخواهد؛ چراکه نوعی صله‌ی رحم با مرکز اصلی فیض و لطف الهی است. در مورد سیدالشهدا (علیه السلام) باید به طور خاص برنامه داشت و حداقل یک بار را برای خود واجب تلقی کرد و در این مورد استطاعت شرط نیست؛ بلکه عشق شرط است. خدای متعال برای هر کسی که درصدد باشد، روزی می‌کند.

در مورد شرایط این زیارت از قبیل زمان و مکان، توضیحات فراوانی داده شده و در حساس‌ترین موقعیت‌های زندگی، در شب جمعه، شب قدر، روز عرفه، عید قربان و... به زیارت سیدالشهدا (علیه السلام) دعوت شده‌ایم.

ثواب پیاده رفتن به کربلا

درباره‌ی زیارت سالار شهیدان (علیه السلام)، در ضمن تمام خصایصی که دارد، یک پیشنهاد هم هست و آن اینکه در صورت امکان پیاده بروید؛^{۱۰} چراکه اثر دیگری دارد. این پیشنهاد در مورد زیارت خانه‌ی خدا هم وارد شده^{۱۱} و در سیره‌ی اولیای خدا نیز بیان شده که پیاده به حج رفته‌اند.^{۱۲} اما در مورد زیارت دیگر اولیای خدا، حتی پیامبر عزیزمان که شخص اول عالم است، چنین پیشنهادی نشده است. شگفت آنکه این پیشنهاد فقط در مورد زیارت امام حسین (علیه السلام) داده شده است. پیاده‌روی، خستگی راه و زخم و

۱۰. ابن قولویه، کامل‌الزیارات، ص ۱۳۴.

۱۱. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «هر که خانه خدا را پیاده حج کند، خداوند هفت هزار حسنه از حسنات حرم در نامه عملش ثبت نماید. عرض شد: یا رسول الله، حسنات حرم چگونه است؟ فرمود: هر حسنه با هزار حسنه برابر است» محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۹۹، ص ۱۰۵.

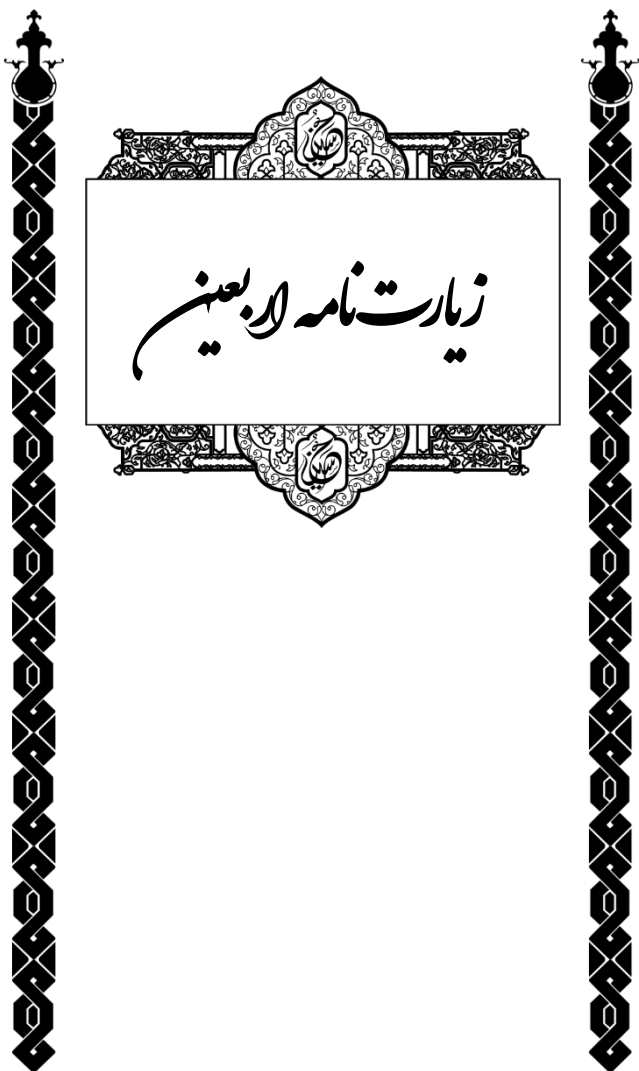
۱۲. ر.ک: همان، ج ۱۰، ص ۷۵؛ ج ۴۳، ص ۳۳ و ۳۳۹؛ ج ۴۴، ص ۱۹۲؛ ج ۴۶، ص ۷۶.

تاول پا و سوختن زیر آفتاب و گرسنگی و ناامنی و... دارد. در روایات برای تمام این موارد آثار سیر و سلوکی بیان شده است.

این ویژگی فقط به سیدالشهدا (علیه السلام) تعلق دارد. برخی افراد این را از روایات دیگری در مورد حضرت رضا (علیه السلام) هم برداشت کرده‌اند، ولی آنجا محل بحث است؛ اما در مورد امام حسین (علیه السلام)، هیچ بحث و کلامی نیست.

این تعبیرها در متن زندگی انسان مؤمن ارادتمند به سرور و سالار شهیدان آمده و بیان شده که آثار ظاهری و فکری و تربیتی خاص دارد و برای آن، میعاد و موعد و زمان تعیین شده است. قرارگاه، کربلا است و زمان قرار خاص، اربعین و بهترین روش رفتن، پیاده‌روی و متن پیشنهادی هم زیارت اربعین است.

فصل سوم



زیارت نامه در بعینہ



زیارتی استثنایی

روز اربعین در بین تمام ایام زیارتی به خصلت مؤمن تبدیل شده؛^{۱۳} لذا یک مناسبت ویژه قلمداد می‌شود. جالب است که در روایات، برای هر مناسبت، یک متن زیارت‌نامه بیان شده است تا بدانیم چگونه سخن بگوییم، سلام دهیم و چه بخواهیم. مجموعه‌ی این متن‌های زیارتی، شرح حماسه و جهاد و مقامات معنوی و تفسیر شخصیت سیدالشهدا (علیه السلام) و اصحابش و آرزوها و خواسته‌ها و دعا‌های آنان است و نیز فلسفه‌ی قیام حضرت و زیبایی‌ها و شکوه آن و زشتی جماعتی را که در مقابل حضرت ایستاده‌اند، بیان کرده است.

ویژگی‌های متن زیارتی اربعین

امام صادق (علیه السلام) برای اربعین به طور خاص متن معین معرفی کرده‌اند^{۱۴} که محتوا و زیبایی و عجایب آن، بسیار شگفت‌آور است. برای این زیارت متن‌های دیگری نیز معرفی شده که حاوی مجموعه‌ی معارف عاشورایی و حسینی است. از کنار این متن‌های نورانی به‌سادگی عبور نکنید.

متن زیارت اربعین نقل شده از امام صادق (علیه السلام)، فشردگی و کوتاهی خاصی دارد، اما در عین حال از پختگی ویژه‌ی برخوردار است و به‌وسیله‌ی آن، سبک زندگی حسینی و اندیشه‌های عاشورایی، در اختیار ما قرار گرفته است. کسی که چهل روز پیاپی، به حضرت سلام داده و در مجالس حسینی شرکت کرده و به حضرت دل داده است، به نقطه‌ای می‌رسد که امام (علیه السلام)، این متن را به او پیشنهاد می‌دهد. خطوط اصلی قیام و ویژگی‌های

۱۳. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۵۲.

۱۴. همان، ص ۱۱۳.

اصلی سیدالشهدا (علیه السلام) و دشمنان حضرت، در این متن کوتاه توضیح داده شده است.

در این متن بیان شده انسان هنگامی که در مسیر این کاروان عشق قرار می‌گیرد، باید چه ویژگی‌هایی را در خویش تقویت کند. وقتی انسان این متن را می‌بیند و با خود کلمه‌ی اربعین که نمادی از سلوک عارفانه‌ی رو به رشد است و به تعبیر زیارت اربعین از امام حسن عسکری (علیه السلام) ضمیمه می‌کند، می‌بیند که مطلب، عادی نیست و از یک مبنای بسیار استوار و متفاوت در ارتباط با پدیده‌ی زیارت به عنوان یک نهاد عالی‌رتبه و ناب شیعی و اسلامی حکایت می‌کند.

من به دوستانی که به این سفر مشرف می‌شوند و از ما می‌پرسند که در سفر چه کنیم، عرض می‌کنم که روی همین متن زیارتی امام صادق (علیه السلام) متمرکز شوید. باید بر همین متن نورانی، مستند و محکم، به قصد برقراری ارتباط فکری و ذکرِی تمرکز داشته باشیم. برخی اهل معنا، این متن نورانی را شرح داده‌اند که می‌توان در این ایام به آنها مراجعه کرد و بهره برد.

این متن کاملاً گویا است و موضوعش، عشق و محبت است و به تعبیری، یک نوع بازگشت به حادثه، مطالعه و تحلیل آن، امام صادق (علیه السلام) یک تحلیل جامع و عمیق و متفاوت به شما تقدیم می‌کنند. اینجا مشخص می‌شود که آنچه حادثه را در آن قله ساخته و تبدیل به یک پیشران برای تاریخ بشری به سوی تمدن اسلامی کرده، ماجرای عشق است. این حادثه تاریخ بشر را با سرعت متفاوتی به اوج و نقطه‌ی مطلوب می‌برد و این ماجرا ساخته‌شده‌ی عشق است.

این زیارت در سمت مقابل هم تحلیل دارد. این سؤال وجود دارد که کسانی که در برابر سالار شهیدان صف‌آرایی کرده‌اند، را چه

چیزی جمع کرد؟ پاسخ یک کلمه است و آن هم دنیا است. زیارت‌نامه‌ی اربعین، «عشق به حق» و «عشق به دنیا» را در تقابل و تضاد می‌داند.

در این زیارت‌نامه می‌خوانیم: «وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا». حاصل فریب خوردن از دنیا دو کلمه است: جهالت و ضلالت. اگر کسی گرفتار فریب دنیا شد، گرفتار جهالت در منطقه‌ی نظر و ضلالت در منطقه‌ی عمل می‌شود. این جهالت و ضلالت، انسان را متوقف می‌سازد و او را برمی‌گرداند و تمام موجودی انسان را در خطر قرار می‌دهد. در روایات ما از این حالت با کلمه‌ی واژگونی نام برده شده است.

شما وقتی به این نگاه می‌رسید، که یک چله‌ی حسینی گرفته باشید و از عاشورا در جاذبه‌ی قیام، آرمان و طلعت حسینی قرار گرفته، و تفکر و تأمل داشته، و در حضور اباعبدالله (علیه السلام) جلا خورده و زلال شده باشید.

سیری در فرازهای زیارت‌نامه‌ی اربعین

زیارت‌نامه‌ی اربعین با وجود کوتاه و فشرده بودن، پیام‌های اصلی کربلا در آن بیان شده است.

پیام اصلی این است که حسین (علیه السلام) به نام خدا و برای خدا و به عشق خدا قیام کرد و قیام او عاشقانه بود. «السَّلَامُ عَلَيَّ وَوَلِيِّ اللَّهِ وَحَبِيبِهِ»؛ این جمله‌ی اول زیارت‌نامه‌ی اربعین است. شما وقتی پخته و اربعینی شدی، امام حسین (علیه السلام) را با عنوان خلیل الله صدا می‌زنی.

همین ابتدای زیارت، دو واژه‌ی سلام دارد. در ادامه‌ی این متن نورانی، در پیشگاه حضرت حق شهادت می‌دهید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَوَلِيكُ وَابْنُ وَوَلِيكُ وَصَفِيكُ وَابْنُ وَصَفِيكُ

الْفَائِزُ بِكَرَامَتِكَ أَكْرَمَتَهُ بِالشَّهَادَةِ وَ حَبَوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ وَ
اجْتَبَيْتَهُ بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ وَ جَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ وَ قَائِدًا
مِنَ الْقَادَةِ وَ ذَانِدًا مِنَ الذَّادَةِ وَ أُعْطِيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ.»

من آمده‌ام تا شهادت دهم که حسین (علیه السلام)، دوست و برگزیده‌ی تو و فرزند دوست و برگزیده‌ی تو بود؛ همان کسی که به شرف شهادت نائل شد و تو چنین سعادت‌ی به او روزی کردی. حسین (علیه السلام)، میراث‌دار همه‌ی انبیای الهی بود. من در پیشگاه تو گواهی می‌دهم که حسین (علیه السلام) چیزی کم نگذاشت و برای دعوت مردم به هدایت، از جان مایه گذاشت.

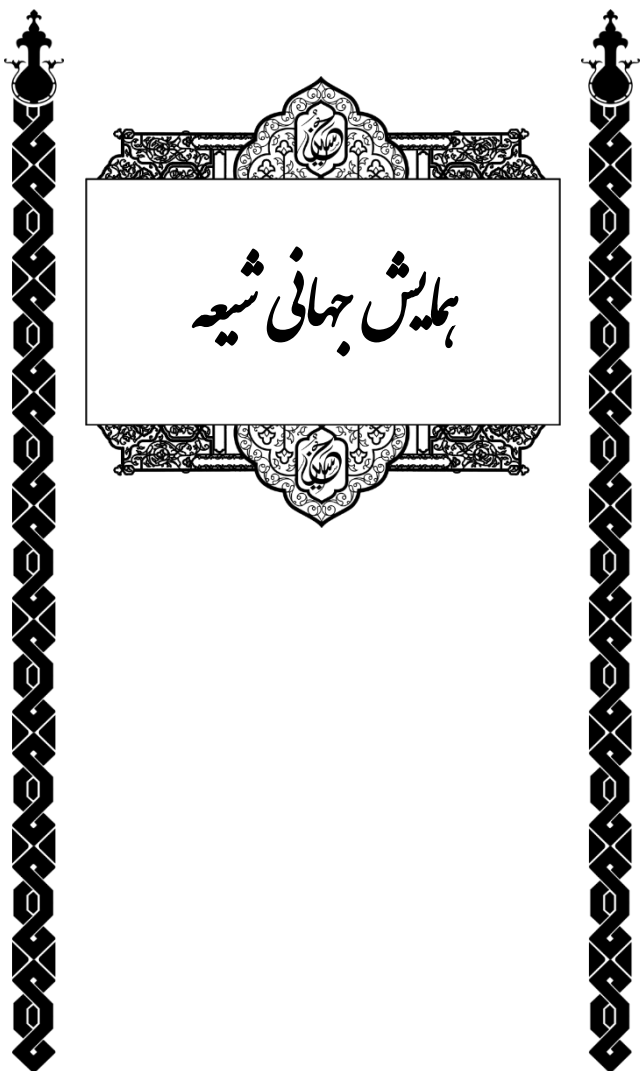
خدایا! شهادت می‌دهم که حسین (علیه السلام) حتی با لب‌های خشکیده، دست از نصیحت برنداشت. عطش بر حضرت غلبه کرده بود و وقتی صحبت می‌کرد، از کنار لب‌های مبارک، خون جاری می‌شد، با این حال به این مقدار کفایت نکرد و خون قلب خود را هدیه داد و به جنگ جهالت، نادانی، کج‌فهمی و گمراهی رفت.

«وَ قَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنُ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَ بَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْدَلِ
الْأَدْنَى وَ شَرَىٰ آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ الْأَوْكَسِ وَ تَعَطَّرَسَ وَ
تَرَدَّى فِي هَوَاهُ وَ أَسْخَطَكَ وَ أَسْخَطَ نَبِيَّكَ.» نقطه‌ی مقابل حسین (علیه السلام) چه کسانی بودند و چه چیزی آنها را جمع کرده بود؟ آنها دل داده و دل‌بسته‌ی دنیا بودند. یکی به خیال مُلک ری و دیگری برای یک لیف خرما آمده بود! یکی برای طمع حکومت آمده بود و دیگری برای ترس از به خطر افتادن زن و بچه‌اش. همه برای دنیا آمده بودند و معامله‌ی بدی کردند و حظّ خود از انسانیت را به حراج گذاشتند. حاصل این دین‌فروشی و عزت‌فروشی، رفتن زیر پرچم طاغوت و یزید، و خریدن خشم خدا و پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود.

«فَجَاهِدْهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى سُنْفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ وَاسْتَبِيحَ حَرِيمَهُ»؛ امام حسین (علیه السلام) هر چه کرد تا این جماعت به خود بیایند و هدایت شوند، فایده‌ای نداشت. کار را به جایی رساندند که خون مطهرش را بر زمین ریختند و حریم حضرت را مورد اهانت قرار دادند. «اللَّهُمَّ فَالْعَنَهُمْ لَعْنًا وَبَيِّلًا وَ عَذِّبَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا»؛ خدایا! در این روز اربعین آنها را از سوی من لعن کن.

به اینجا که رسیدی، همراه با کسانی هستی که الان در کربلا حضور دارند. شهادت می‌دهی که امام حسین (علیه السلام) مظلومانه به شهادت رسید و خدا به وعده‌ی خود عمل خواهد کرد و کسانی را که در برابر امام ایستادند، به زباله‌دان تاریخ خواهد فرستاد. من شهادت می‌دهم تو و دوستان تو به پیمانتان عمل کردید و خدا لعنت کند کسانی که تو را به شهادت رساندند و کسانی که به تو ظلم کردند و کسانی که شنیدند و سکوت کردند و راضی شدند.

فصل چہارم



ہمایش جہانی شیعہ

زیارت اربعین، همایش جهانی شیعه

در کنار این متن زیارتی، خود زیارت قرار دارد. زیارت، حرکت و هجرت است به سوی آن مضجع تابناک تا در چنین روزی در کربلای معلی باشی. فرض اصلی‌اش همین است. فرض بعدی آن است که اگر کسی به هر دلیلی موفق به تشرّف نشد، از حظّ روحانی بهره‌مند خواهد بود و هر جا که هست، حالت زیارت بگیرد و حضرت را زیارت کند و توجه و توسل داشته باشد. البته آنچه وارد شده، زیارت مضجع حضرت امام حسین (علیه السلام) است و همین است که خصلت مؤمن محسوب می‌شود.

زیارت همواره مطلوب است، اما اینکه گفتند زیارت امام حسین (علیه السلام) در روز چهلم از خصائص آن حضرت و از علائم مؤمن است، رازی دارد که در روزگار ما از آن پرده‌برداری شده است. قبلاً سرّ این موضوع را متوجه نمی‌شدند، اما در زمانه‌ی ما اصلاً نیاز به توضیح ندارد و نتیجه‌اش را که همایش جهانی اربعین است، مشاهده می‌کنیم. این اتفاق عجیب، روزگار ما را دگرگون خواهد کرد.

هوشمندی شیعه در زیارت اربعین

هوش شیعی، با فهم خاص ولایی، بر اساس نقشه‌ی اولیا، این زیارت را به بزرگ‌ترین پدیده‌ی دینی جهان تبدیل کرده است؛ پدیده‌ای که هیچ شبیه و نظیری ندارد و به نام حسین (علیه السلام) ثبت شده است.

این هوش که محصول گره خوردن به عقل محض است، زمان و مکان و روش را با هم پیوند زده است. مکان که مشخص است و همان قبله‌ی دل‌ها، یعنی کربلا است که هیچ نظیری در عالم ندارد

و روایات ما تصریح می‌کند که از کعبه بالاتر است.^{۱۵} زمان هم تعریف شده و عبارت از اربعین است. روش هم به صورت جداگانه بیان شده و روش برتر، پیاده رفتن است. البته اگر کسی با وسیله هم رفت، مأجور خواهد بود، اما توصیه به پیاده رفتن شده است.

یکی از آقایان معاصر به نام آقای استهباناتی کتابی قطور با نام «نُورُ الْعَيْنِ فِي الْمَشْيِ إِلَى زِيَارَةِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام)» نوشته‌اند. ما چند باری که مشرف شدیم، همین کتاب را همراه خود بردیم. بحث یک یا دو روایت نیست، بلکه بحث توصیه است که این قدم برداشتن‌ها و خستگی‌ها و دردها و خاک‌نشستن‌ها و آفتاب‌خوردن‌ها چه می‌کند. این‌طور نیست که بگوییم پیاده مشرف شدن خوب است، بلکه سفارش کرده‌اند و معلوم می‌شود که در این سبک و روش رفتن، خبری است.

هوش شیعی این مکان و زمان و روش را با هم گره زده است و بزرگ‌ترین راهپیمایی تاریخ بشر را که یک همایش عظیم و بی‌نظیر است و هیچ شبیه و نظیری ندارد و نخواهد داشت، به وجود آورده است. بعدها خواهید دید که چه خواهد کرد!

همه‌ی کسانی که دلبستگی دارند، می‌گویند باید حتی یک بار هم که شده، برویم و نوعاً این‌گونه است که هر کس که یک بار رفت، در حلقه‌ی عاشقانه گرفتار می‌شود و به تعبیر آقای ما، «جاذبه‌ی مغناطیس حسینی» او را می‌رباید.

ابتدا حالت عراقی داشت و بعد ایرانی و سپس منطقه‌ای و الان حالت جهانی دارد. در دوران صدام خیلی محدود بود و بیشتر ساکنان نجف و بصره حرکت می‌کردند و به سمت کربلا می‌رفتند و آنجا مورد احترام قرار می‌گرفتند. موج حسینی که آمد و ایران را

متحول ساخت و نظام پیدا کرد و مبدأ تحولات تاریخی شد. بلافاصله در قدم بعدی و بعد از صدام ملعون که طاغیه‌ی عراق بود، اربعین پیدا شد و حتی با حضور آمریکایی‌ها و ناامنی‌ها، این جمعیت آمدند و خیلی تمیز و مهربان، مسیرشان را رفتند و تبدیل به یک پدیده شد و در دنیا صدا کرد. به این ترتیب کلمه‌ی اربعین، علامت و شاخص یک رویداد، نگرش، فهم، فلسفه و ایدئولوژی شد. از سال‌های بعد، ایرانی‌ها که آماده‌ی این مسئله بودند، اضافه شدند و این راهپیمایی سال به سال توسعه پیدا کرد.

قبلاً اجازه‌ی حمل پرچم نمی‌دادند، ولی اخیراً اجازه داده‌اند که پرچم هم بیاورند و معلوم شد که از همه‌جای دنیا شرکت می‌کنند. خوب و پسندیده است که پرچم حسینی داشته باشند، اما در کنارش نمادهای میهنی خود را نیز داشته باشند تا روشن شود که از تمام دنیا در آن شرکت می‌کنند. این بزرگ‌ترین اجتماع بشری مثل سیل است و از چهار طرف دنیا حرکت می‌کنند و می‌آیند تا در آن روز ویژه، آن اتفاق خاص رقم خورد.

جالب آنکه این اجتماع بزرگ میلیونی که در سال گذشته افزون بر ۲۵ میلیون نفر در آن شرکت داشتند، در کشوری ناامن شکل می‌گیرد که داعشی‌های خبیث و پلید و دشمنان دیگر در آن حضور دارند. این اجتماع هر جای دنیا باشد، صدها اتفاق بد و ناپسند رخ می‌دهد؛ اما اینجا آکنده از عشق و دلدادگی و انسانیت و صفا و جوانمردی و آرامش است؛ زیرا زائران حسینی نور و صفا می‌گیرند.

در هر قدمی که در این جاده می‌روید، حال شما را می‌پرسند. قدم به قدم این راه ایستگاه درست کرده‌اند و از شما به عنوان زائر امام حسین (علیه السلام) استقبال می‌کنند و آب و نان و غذا و مکان استراحت فراهم می‌آورند.

این رویداد قابل توصیف و عکس برداری و فیلم برداری نیست. این کارها را باید بکنند، اما نمی‌توانند آن شور را منتقل سازند؛ زیرا اربعین، شهود و درک و حضور است. محور اصلی که تعریف شده، نود کیلومتر از نجف تا کربلا است؛ اما به این منحصر نیست و از مسیرهای دیگر نیز حرکت می‌کنند. ما یکی دو بار از مسیرهای فرعی آمدیم و دیدیم که از آنجا نیز حرکت می‌کنند.

قبلاً بین الحرمین تعریفی داشت و برای حرم حضرت عباس تا حرم امام حسین (علیه السلام) وضع شده بود. اما اکنون تعریف جدیدی پیدا کرده و آن هم بین حرم علی ابن ابیطالب تا حرم امام حسین (علیهما السلام) است. آنها که از نجف می‌روند، گویا قراری در حرم حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) دارند و بعد حرکت می‌کنند.

رفقا هم اگر می‌خواهند مشرف شوند، همین کار را بکنند و از حرم حضرت امیر با متن سلوکی زیارت امین الله که فهرست درخواست مقامات است، قدم به قدم بروید و در پرتوی شخصیت امام علی (علیه السلام)، مقامات حسینیه را در فهرست تقاضاهای خود قرار دهید و در این نود کیلومتر، از خدای متعال بخواهید تا ان شاء الله برسید.

امروز ما با چنین پدیده‌ای مواجه هستیم و آن را تعبیه‌ی اولیا و ساخته‌ی هوش و فهم شیعی می‌دانیم که در پرتوی انقلاب اسلامی تجلی و ظهور کرده است.

آثار فردی و اجتماعی زیارت اربعین

اتفاقاتی که آنجا می‌افتد، قابل توصیف نیست و به اعتبار فرد، یک سیر و سلوک حیرت‌انگیز است. یک سرعت تصاعدی و جهش سلوکی است و فرد می‌تواند آنچه را که می‌خواسته در یک عمر به دست آورد، در یک سیر سه‌شبهانه‌روزی به دست آورد. نظیر دفاع مقدس است و برای دوستانی که جنگ را درک نکرده‌اند، جایگزین عجیبی است. البته اشخاص با هم فرق دارند و زمان جنگ هم

همین‌طور بود و مقدار بهره‌مندی، به میزان اخلاص و صفای افراد بستگی دارد.

به کسانی که هر سال می‌روند، می‌گوییم: «زُرْ غِبًّا تَزِدُّ حُبًّا»^{۱۶} یک روز در میان زیارت کن تا موجب زیادی دوستی گردد. مواظب باشید برایتان عادت و عادی نشود. همه باید مواظب خود باشند که درصدد حظّ و بهره‌ی معنوی باشند و وقار، ذکر و فکر خود را در این سیر حفاظت کنند. البته واجب هم نیست که نود کیلومتر را پیاده بروند. اگر کسی بتواند، خوش به حال او و اگر نتوانست، هر قدر که شد، پیاده برود.

از نظر اجتماعی، همبستگی، پیوستگی، تعاطف، تعاون، تعارف و شناخت، نتیجه‌های این حرکت است. مخصوصاً اینکه فضای آنجا، فضای سیاسی است و باید آن را ذیل آرمان حسینی حفظ و تقویت کرد. «لیبک یا حسین»، دقیقاً نقطه‌ی مقابل جریان تمدنی کفر، جهل، نفاق، شرک و استکبار است.

در گذشته، حتی عراقی‌ها که خیلی قمه‌زن هستند، این بحث را در اربعین نداشتند، اما اخیراً جریان شیعه‌ی انگلیسی، در اربعین نفوذ کرده که خیلی نگران‌کننده است و از جمله کارهایشان، قمه‌زنی و ایجاد بحث‌های حاشیه‌ای است. اینها حاشیه هستند و مهم نیستند. متن مهم است. ایرانی وقتی به مکه رفت، روح را به حج برگرداند. اربعین هم ممکن است یک مدل سکولاریستی داشته باشد که بیان همین سلوک شخصی و فردی باشد؛ اما قیام و آرمان حسینی، قیام علیه کفر و ظلم و فرهنگ یزیدی بود. وقتی این حرکت با پرچم حسینی و نگرش مهدوی راه می‌افتد و معطوف به قیام است، می‌شود همان چیزی که پایه‌های ستم را می‌لرزاند. خوشبختانه

۱۶. سخاوی، المقاصد الحسنه، ج ۱، ص ۲۳۲-۲۳۳.

الان این رویکرد وجود دارد؛ منتها باید تقویت گردد و امیدواریم که سال به سال بهتر شود.

برای زیارت اربعین نباید بدل سازی کرد

الان در همه‌ی شهرهای دارای امامزاده، پیاده به سمت آن امامزاده حرکت می‌کنند. کار خوبی است و دل خوش هستند که مسیری را پیاده حرکت کنند. چون از آن پیاده‌روی بزرگ جامانده‌اند، اشکالی ندارد؛ و الا بدعت است و نباید برای آن اجتماع بزرگ، بدل سازی کرد. باید همه‌ی ذهن‌ها معطوف به همان حرکت بزرگ باشد و این موارد نباید به برنامه‌ی مستقلی تبدیل شود؛ مگر اینکه بگویند چون از پیاده‌روی کربلا جا مانده‌ایم، به دنبال تشفی خاطر خود هستیم.

در این صورت است که زیارت اربعین یک نیروی عظیم می‌شود و همه‌ی مجامع حسینی را در سراسر عالم روح می‌دهد و تشجیع می‌کند. اقلیت‌های شیعی در دنیا در اوج محرومیت هستند، اما اینجا که می‌آیند، تبدیل به دریا می‌شوند.

لزوم مطالعه درباره‌ی اربعین

دنیای امروز اعم از عالم تشیع، جهان اسلام و فضای عمومی جهان امروز، با پدیده‌ی فوق‌العاده جذاب، دارای پیام، الهام و اشراق به نام اربعین مواجه است. با این پدیده مواجهه‌ی سطحی نمی‌شود داشت؛ بلکه باید در مورد آن مطالعات گسترده انجام گیرد. در مغرب‌زمین گاهی کوچک‌ترین موضوعات، به‌خصوص پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی را به گسترده‌ترین موضوع مطالعات قرار می‌دهند و از ابعاد مختلف مورد تحلیل، مطالعه، مستند و جمع‌بندی قرار می‌دهند. اگر درباره‌ی این پدیده‌ی باشکوه، متفاوت و عظیم مطالعه کنیم، باید ده‌ها جلد کتاب نگاشته و درباره‌اش بحث شود. در دانشگاه‌ها از مناظر گوناگون اجتماعی، سیاسی، فرهنگی،

فکری، تمدنی، برون‌دینی، درون‌دینی و بین‌ادیانی موضوع مطالعه و پژوهش قرار گیرد.

اربعین، مانور معنویت در دوران جاهلیت

در متن زیارت اربعین می‌گوییم که به رجعت اعتقاد داریم. با ظهور حضرت ولیّ عصر، رجعت اتفاق می‌افتد و مؤمنان خالص برمی‌گردند و دست‌اندرکار ساخت جهانی متفاوت و آکنده از معنویت و عشق و صفا می‌شوند و بهشتی به نام حضرت زهرا (سلام الله علیها) می‌سازند و آدم و عالم، بهشت را در همین کره‌ی خاکی تجربه خواهند کرد؛ ان‌شاءالله. از جمله اموری که در رجعت اتفاق می‌افتد، بازگشت سیدالشهدا (علیه السلام) است که تماشایی است. مقدمات آن روز بزرگ بر اساس خواست و تقدیر پروردگار متعال، به نام حسین بن علی (علیه السلام) رقم خورده است.

موج برگشت به اسلام، معنویت، عدالت‌خواهی و ارزش‌جویی را در زمان ما مشاهده می‌کنید. این توفیق بزرگ نصیب هم‌عصری‌های ما شد تا ببینند بعد از جاهلیت مکرری که بشر تجربه کرد، بازگشت قابل فهم و احساس و روشنی به سوی ارزش‌ها و پشت کردن واضحی به جاهلیت و نمادهای آن در حال رخ دادن است.

کربلا، نقطه‌ی عطفی برای نجات بشریت

نکته‌ی جالب اینکه این بازگشت به خوبی‌ها و مکارم اخلاق با پرچم حسین بن علی و به نام آن بزرگوار و با تکیه بر الگویی که آن حضرت ساخت و با استفاده از انرژی عظیم آن حضرت در روز عاشورا، در حال شکل گرفتن است. کربلا آن مکان شریفی است که این نیروی عظیم قدسی در آنجا آزاد و تقدیم بشریت شد. عاشورا نیز روزی است که این اتفاق بزرگ در آن رخ داد. این انرژی عظیم آزاد شده و پهنه‌ی تاریخ را تحت تأثیر خود قرار داده است. به این ترتیب امام حسین (علیه السلام)، پرچم‌دار هدایت

آخرا زمانی می‌شود و به یاد او و به عشق او، جماعت‌های آزاده در سراسر جهان بیدار می‌شوند و به هم پیوند می‌خورند و به سوی روز بزرگ ظهور حرکت می‌کنند.

ایران عزیز ما این افتخار را داشت که مبدأ این بازگشت به سوی ارزش‌های بزرگ شود. همه‌چیز بعد از بیداری ایران، رنگ و بوی دیگری پیدا کرد و در دنیا فضای دیگری دارد ساخته می‌شود.

تلاش غرب برای بایکوت راهپیمایی اربعین

متأسفانه در دنیایی زندگی می‌کنیم که با پدیده‌ی عظیم انسانی اربعین و این راهپیمایی بی‌نظیر مواجهه‌ی سیاسی دارند. تلاش می‌کنند که مشاهده، شناخته، فهم و مطرح نشود و با بایکوت و سانسور خبری گسترده مواجه شود. به هیچ‌وجه اراده‌ای برای پوشش دادن این حادثه‌ی بزرگ وجود ندارد. درحالی‌که اگر کوچک‌ترین مسئله‌ای در گوشه‌ای از دنیا اتفاق بیفتد یا تعداد اندکی در مکانی جمع شوند، ده‌ها خبر، گزارش، کلیپ، بررسی و تحلیل درباره‌اش صادر می‌شود. چگونه است که در پس پدیده‌ای اعجاب‌انگیز، متفاوت و بی‌نظیر هیچ خبری نیست؟ چرا هیچ اسمی نمی‌برند؟ چرا مطالعه و تحلیلش نمی‌کنند؟ آشکار است که برخوردارشان با انگیزه‌های سیاسی و با قصد بایکوت و مهار آن است.

در ضمن این قضیه نشان می‌دهد که آنچه در حال رخ دادن است، برای جریان عمومی استکبار جهانی به منزله‌ی یک خطر بزرگ محسوب می‌شود. آنها در مواجهه با این پدیده احساس خطر می‌کنند؛ لذا امپراطوری خبری‌شان این حادثه را به صورت یکپارچه بایکوت می‌کند.

ما به عنوان کسانی که دل‌داده‌ی این حقیقت بزرگ هستیم و گوشه‌ای از این دریای بی‌کران عرض ارادت به سید و سالار شهیدان (علیه السلام) محسوب می‌شویم، باید قدرشناسی و شکرگزاری کنیم. باید حداقل خودمان آن را بشناسیم و از کنارش آسان عبور نکنیم.

تفاوت اربعین با سایر اجتماعات

آنچه این سال‌ها در حال رخ دادن است، یعنی راهپیمایی بزرگ اربعین، یک اجتماع متفاوت است. ابتدا از نظر کمیت متفاوت است. جمعیت به صورت تصاعدی در حال افزایش است.

نکته‌ی دیگر اینکه همه‌ی این جمعیت به قصد مقصد واحدی حرکت می‌کنند. در مسیرها پراکندگی وجود دارد، ولی در نهایت مقصد یکی است. حرکت، اجتماع صرف نیست؛ بلکه حرکت و سیر است و آن‌هم به صورت پیاده‌روی.

نکته‌ی دیگر اینکه نوعی آرایش و سازماندهی منظم و جالب دارد. از نظر آهنگ حرکت، لباس‌ها، علائم، نشانه‌ها و پرچم‌ها، تناسب و هارمونی و نسبت بسیار زیبایی برقرار است. مثل اینکه یک مرکز فرماندهی دارد و همه‌ی اینها را از سراسر عالم برای آن زمان و مکان خاص و این حرکت ویژه برنامه‌ریزی و سازماندهی کرده و آموزش داده است. گویا یک حرکت سازمان‌یافته است.

مطلب ساده‌ای نیست. اگر شما بخواهید ده نفر را جمع کرده و کاروانی راه بیندازید و جابه‌جا کنید، کار سختی است؛ حال که این جمعیت بیست و پنج میلیون نفر است. سازماندهی مشهودی در متن این قضیه هست. پشتیبانی این حرکت از همه‌ی جهات، محل استراحت، تغذیه، نیازهای ضروری و مواردی از این قبیل، به صورت کاملاً مردمی و جوششی از متن خود این جماعت تأمین

می‌شود. هیچ حرکت بیرونی اتفاق نمی‌افتد. یک حرکت درون‌جوش و متکی به خود در حال اتفاق افتادن است.

نکته‌ی جالب دیگر طول مسیر است. مسیر در این راهپیمایی بسیار طولانی است. به‌خصوص از بعضی از مبادی حرکت که گاهی ششصد کیلومتر مسیر پیاده‌روی دارند. نزدیک‌ترین مبدأ حرکت، نجف اشرف است که حدود نود کیلومتر با کربلا فاصله دارد.

نکته‌ی دیگر ترکیب این جمعیت است که بسیار فوق‌العاده است. از نظر سنی از نوزاد تازه‌به‌دنیا آمده هست تا پیرزن و پیرمرد در آستانه‌ی ارتحال. البته جوانان بیشتر جمعیت را تشکیل می‌دهند که این خود دارای تحلیل است. جمعیت ترکیب جنسیتی هم دارد و هم آقایان و هم خانم‌ها حضور دارند.

از نظر فکری، فرهنگی، اقتصادی این جمعیت واقعاً متنوع است. شخص عوام تحصیل‌نکرده تا دانشمند و متخصص در این جمعیت هست. اشخاص فقیر از نظر اقتصادی تا ثروتمند، همه در کنار هم مانند حج هستند. بعضی‌ها تعبیر به یک حج دیگر می‌کنند: حج حسینی.

از نظر اقلیمی، جغرافیایی و نژادی نیز به طور کامل متنوع است. به‌خصوص دو، سه سال اخیر این تنوع بیشتر خودش را نشان می‌دهد؛ به طوری که حتی از آفریقا، اروپا و امریکا نیز در این اتفاق بزرگ حضور دارند.

جالب است که ترکیب جمعیت از نظر دینی هم قابل مقایسه و مطالعه است. در این خیل عظیم جمعیت، از اهل سنت ایران و سایر ادیان و کشورها با نمادها و نشانه‌هایشان اگرچه کم، ولی حضور دارند. در این خیل جمعیت مسیحی هم داریم که گاهی با صلیب و نشانه‌های مسیحی حضور می‌یابند تا از این انرژی عظیم فیض و نصیب ببرند.

نکته‌ای که این سال‌ها ملاحظه کرده‌ام، حضور خانوادگی است که پیام‌های ویژه‌ای دارد. کشور عراق به هیچ‌وجه آمادگی پذیرش چنین جمعیت عظیمی را از نظر پشتیبانی‌های مختلف ندارد. وضع اقتصادی خوبی ندارد و ناامن است. بنابراین همه‌ی آن جماعت را یک انگیزه‌ی معنوی کنار هم جمع می‌کند: «حُبُّ الْحُسَيْنِ يَجْمَعُنَا». چه چیزی این جمعیت را از سراسر دنیا کنار یکدیگر جمع کرده است؟ رهبر عالی‌قدر شیعه فرمودند: «جاذبه و مغناطیس حسینی همه‌ی این دل‌ها را می‌کشد و از اقصی نقاط عالم دور هم جمع می‌کند». عشق به اباعبدالله الحسین (علیه السلام)، آرمان حسینی و شخصیت آن بزرگوار، آنها را گرد هم می‌آورد.

مواردی که بیان شد، گوشه‌ای از تفاوت‌های راهپیمایی اربعین با سایر اجتماعات است. با این ملاحظات به نظر می‌رسد چیزی که در حال اتفاق افتادن است، یک ذخیره و گنج الهی برای انسان معاصر است.

تجلی جلوه‌های زیبای اخلاق اسلامی در اربعین

اربعین پرچم غدیر است و به نظام مبتنی بر خواست پروردگار عالم، علی ابن ابیطالب (علیه السلام) و غدیر خم دعوت می‌کند. این نظام می‌آید و همه‌ی جهان را با مهر و صفا و امنیت و دوستی پوشش می‌دهد و جلوه‌هایش را دارد در همایش عظیم اربعین نشان می‌دهد. این جلوه‌های دوستی و صفا در هیچ جای جهان مشاهده نمی‌شود. همه می‌پرسند: این آقا کیست که نامش چنین دوستی و صفا و محبتی فراهم می‌کند؟ نخبگان عالم - با وجود سانسور و فشار - درباره‌ی آن مطالعه می‌کنند.

اربعین یک پدیده‌ی عادی نیست و نگاه ما به اربعین، صرفاً به عنوان یک اجتماع نیست؛ بلکه اربعین یک مقطع تاریخی است و جهان را ان شاء الله تغییر خواهد داد. این حرکت خوش ساخت و

خوش‌پیام که پیام‌های خود را از امام سجاد (علیه السلام) و حضرت زهرا (سلام الله علیها) دریافت کرده، می‌رود تا جهان ما را به جهانی دیگر تبدیل کند.

عشق حسین، ذخیره‌ی الهی برای عصر حاضر

برای بشریت این روزگار و انسان این زمان، به‌خصوص برای مسلمانان و به‌ویژه برای شیعیان، گنجی تعیبه و اکنون رونمایی شده است. گاهی پدر و مادر چیزی را برای فرزندشان کنار می‌گذارند و می‌گویند: امروز به او نمی‌دهیم، روزی می‌دهیم که به آن نیاز دارد. حال درست در روز نیاز، از گنج عظیم اربعین رونمایی می‌شود و این ذخیره‌ی بزرگ در حال استخراج است و در سال‌های اخیر با این کیفیت خود را نشان می‌دهد و مطرح می‌شود. تبدیل به یکی از روزهای خدایی شده که در زمره‌ی ایام الله شمرده می‌شود. جزء اعظم شعائر اسلامی ما و مانند خورشید می‌درخشد و در حال تبدیل به یک حامل و رسانه برای بسیاری از پیام‌هایی است که بشریت تشنه‌ی سرخورده‌ی ناامید گرفتار امروز، به آن احتیاج دارد.

اربعین چنین نقشی را ایفا می‌کند و به یک مانور معنوی بزرگ، یک تجدید قوای فوق‌العاده متفاوت و قدرت‌نمایی معنوی و نرم تبدیل شده است. کربلا، عاشورا و حسین (علیه السلام)، فرهنگ مرجع، معیار و منجی است.

قرآن درباره‌ی شهدا می‌فرماید: «أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ»^{۱۷} زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند». مصداق اصلی این آیه، امام حسین (علیه السلام) است. حرف و پیام اربعین به مردم دنیا این است: حسین زنده است و زنده خواهد بود؛ چنان که در زیارت

حضرت در نیمه‌ی شعبان خطاب به ایشان عرضه می‌داریم: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قُتِلْتَ وَلَمْ تَمُتْ بَلْ بِرَجَاءِ حَيَاتِكَ حَيَّتْ قُلُوبُ شِيعَتِكَ»^{۱۸} شهادت می‌دهم که تو کشته شدی، اما نمردی؛ بلکه دل‌های شیعیانیت به طفیل حیات ابدی تو، به زندگانی جاوید امیدوار است». به امید حیات تو ای کلمه‌ی ماندگار حق و ای راز جاودانی اسلام، دل‌های شیعیانیت زنده است. چون این پرچم برپا و این شعله روشن است، عواطف شیعیان می‌جوشد و احساساتمان تجلی می‌کند.

یگانه راه نجات

اربعین به انسان‌ها آدرس می‌دهد و می‌گوید: اگر می‌خواهید نجات یابید، باید سراغ حسین (علیه السلام) بروید. راه نجات حسین و کربلای او است. پیامبر عزیز ما فرمودند: «إِنَّهُ لَمَكْتُوبٌ عَلَى يَمِينِ عَرْشِ اللَّهِ مِصْبَاحٌ هَادٍ وَ سَفِينَةٌ نَجَاةٌ»^{۱۹} در طرف راست عرش نوشته شده: حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است». معلوم می‌شود که ستاد فرماندهی کل قوای عالم این برنامه را سازماندهی می‌کند. این حرکت سازماندهی نانوشته‌ای دارد و از جای دیگر هدایت می‌شود. دقیق ترش را به شما بگوییم: مراسم اربعین نشانه‌ی حضور مولای عزیز ما، حضرت بقیة الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه شریف) در کارگردانی جهان است و اینکه حضرت ناظر این کار است و کارگردانی، تدبیر و برنامه‌ریزی می‌کند و به سمت آن روز بزرگ پیش می‌برد.

نگاهی دیگر به این حادثه بیندازید تا مطلب برایتان روشن شود. اگر به بعضی از ابعاد این حادثه‌ی بزرگ نگاه کنید و بپردازید،

۱۸. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، اعمال ماه‌های قمری، زیارت امام حسین (علیه السلام)

در نیمه‌ی شعبان.

۱۹. فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری، ص ۴۰۰.

می‌شود به این مطالب اشاره‌ای داشت و نمونه‌هایی را مطرح کرد. از نظر فکری و اعتقادی، نگاه من نیز نگاه فردی و اجتماعی است. کسانی که در اربعین حضور پیدا می‌کنند، دیگران را تحت تأثیر قرار می‌دهند و از نظر فکری، اعتقادی، توحیدی تقویت می‌کنند. به‌راستی، سیر و سفر شخص را متحول و بنیه‌ی اعتقادی را تقویت می‌کند.

جماعت عظیمی که در اربعین شرکت می‌کنند، نقطه‌ی تلاقی شعور، شعار، احساس و عقلانیت هستند. از نظر روحیه‌ی اصلاح‌گری و اندیشه‌ی اصلاحی به طور کامل تقویت می‌شوند. باید زمانمان را به گونه‌ی دیگری بسازیم. باید به سمت تحول و متفاوت کردن معادلات زمان، ارزش‌ها، ترویج ارزش‌های الهی و حسینی برویم.

از همین منظر اربعین، شخص را به طور کامل در مسیر آن حرکت اصلاحی جهانی پیش می‌برد و او را به آرمان مهدوی گره می‌زند. در روایت است که کسانی که پیاده به کربلا می‌روند، هر قدمی که برمی‌دارند، گناهی از آنها آمرزیده و حسنه‌ای برایشان نوشته می‌شود. هر قدمی که برمی‌دارند، درجه‌ای به آنها اضافه می‌شود تا آنجا که شخص به حائر (نقطه‌ی نهایی) می‌رسد. در آنجا به او گفته می‌شود که خداوند تو را از مصلحان برگزیده‌ی خود قرار داد. تعبیر بسیار بزرگی است. کسی که در این مسیر می‌آید، به اندیشه‌های اصلاحی گره می‌خورد که ذیل آرمان مهدوی تعریف می‌شود و یکی از مصلحان می‌شود. زمانی هم که در حال برگشت است، به او می‌گویند: «اَسْتَأْنِفِ الْعَمَلَ فَقَدْ غُفِرَ لَكَ مَا مَضَى؛^{۲۰} تا امروز تو آنچه [گناه] بوده است، بخشیده شد؛ پس برو عملت را از سر بگیر».

شبهات‌های دفاع مقدس و اربعین

مکتب اربعین آثار تربیتی عجیبی دارد. اگر کسی می‌خواهد به طور کل متحول شود، این سفر را برود. اگر نیتش پاک و انگیزه‌اش صادق باشد، به‌راستی او را تغییر می‌دهد. مانند یک دوپینگ تربیتی و سلوکی است. وقتی می‌خواهیم نمونه‌ی آن را یاد کنیم، زمان دفاع مقدس را مثال می‌زنیم. در جنگ تحمیلی فضایی درست شد که جوان‌های ما از نظر معنوی با سرعت فوق‌العاده‌ای حرکت می‌کردند، عوض می‌شدند، رشد و پرواز می‌کردند، برای ملاقات با خداوند آماده می‌شدند. امام راحل عارف عظیم‌الشأنان فرمودند: «این جوان‌ها گاهی یک‌شبه ره صدساله را می‌روند». راهی را که یک پیر عارف، طی صد سال می‌پیمود، گاهی این جوان‌ها یک‌شبه یا یک هفته‌ای طی می‌کردند. این خصوصیت جهاد و حضور در میدان جنگ است. اربعین در زمان ما در حال ایفای همین نقش با تفاوت‌های خاص خودش است. البته در دوران دفاع مقدس نیز نام و یاد اباعبدالله حسین (علیه السلام) بود که کارها را پیش می‌برد.

شما بعضی از مستندهای مربوط به صحنه‌های دفاع را دیده‌اید. همه‌جا پرچم، خیمه و نمادهای حسینی است. اسم لشکرها، امام حسین (علیه السلام)، اسم گردان علی‌اکبر (علیه السلام) و اسم دسته حضرت قاسم (علیه السلام) بود. این‌طور زیبا تقسیم‌بندی شده و تحت تأثیر حرکت حسینی بود.

امروزه اربعین چنین نقشی دارد. کسانی که به پیاده‌روی اربعین می‌روند، اراده‌شان در برابر شیطان نفس و نیروی خطرناک نفس اماره تقویت می‌شود و مصونیت پیدا می‌کنند. به‌خصوص جوانان، مرد، قوی و جوان‌مرد می‌شوند. عزم، اراده، امید، شوق و استقامت، طی حرکتی که به نام پروردگار تبارک و تعالی و حسین (علیه السلام) شکل می‌گیرد، این ویژگی‌ها را رقم می‌زند.

جوانان در این مسیر دوستان معنوی و سلوکی پیدا می‌کنند و از نور این سالکان بهره‌مند می‌شوند. خدا می‌داند در این موکب‌ها چه خبر است؟! شب‌ها از نماز شب ول و له‌ای بر پا می‌شود. همان چیزهایی که در زمان دفاع مقدس بود، اینجا دیده می‌شود. گاهی گزارش می‌کنند که سحرها عده‌ای قرآن می‌خوانند، وصیت می‌نویسند، یکی خاطره می‌نویسد و دیگری در حال مناجات است. نماز جماعت‌ها، حلقه‌های بحث و گفتگو و یافتن دوستان خدایی، از دیگر دستاوردهای این سفر است. انسان تحت تأثیر ایمان‌های قوی قرار می‌گیرد. اگر می‌خواهید از نظر بنیه‌ای قوی شوید، با خوبان بنشینید. در حضور اهل معرفت و اهل ذکر باش. چنانچه چشمش به چشم تو گره بخورد و نفسش به تو اصابت کند، پاییز را بهار می‌کند. نفس اهل معرفت این‌گونه است. در این خیل عظیم میلیونی، بهترین‌ها جمع می‌شوند و خودشان را به این سفر می‌رسانند. این حضور آینه‌ها در برابر هم و تبادل نوری که بین این خوبان اتفاق می‌افتد، باعث می‌شود شما هم فیض ببرید.

فیض عرفانی اربعین

برنامه‌ی اربعین از نظر عرفانی و سلوکی فوق‌العاده است. به لحاظ تربیتی و فرهنگی، آنچه در حال اتفاق افتادن است، بسیار بزرگ است. خرده‌فرهنگ‌هایی که در بین دوستان اهل بیت (علیهم السلام) داریم، وارد این کلان‌فرهنگ شده و به هم نزدیک می‌شوند و پیوند می‌خورند. هر فردی اهل مکانی است، افغانستان، پاکستان، هند، ایران، آفریقا و ... با خرده‌فرهنگ‌های مختلف می‌آیند و ذیل فرهنگ حسینی به وحدت می‌رسند و با هم مبادله می‌شوند و پیوند می‌خورند. سپس همه در سیل خروشان ارادت و عشق به سالار شهیدان (علیه السلام) ذوب می‌شوند و همدیگر را می‌شناسند. بازشناسی متقابل اتفاق می‌افتد و تبادل فرهنگی بین آنها رخ

می‌دهد. این هم یک جنبه است که برای آن باید سرفصلی باز شود. در مجموع اتفاق بسیار بزرگ، زیبا و قشنگی است.

از نظر اجتماعی، این حرکت بزرگ، مانور عظیم و راهپیمایی پرشور، پیام‌ها و آثار خاص خود را دارد. در این حرکت عظیم برای شیعه یک سرمایه‌ی اجتماعی بسیار بزرگ در سطح عالم تولید می‌شود و بین دوستان اهل بیت (علیهم السلام) شناخت و سازماندهی اتفاق می‌افتد؛ ازدواج اتفاق می‌افتد، خانواده‌ها همدیگر را می‌شناسند، پیوندهای خانوادگی و همکاری‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. به طور مثال جالب است که به‌تازگی عده‌ی زیادی از عراقی‌ها که ایرانی‌ها را در آنجا پذیرایی می‌کنند، به آنها نشانی می‌دهیم، و آنها نیز به ایران و خانه‌ی ما می‌آیند. البته مثالش برای کشورهای دیگر مثل افغانستان هم هست، منتها ایران به واسطه‌ی وجود حرم امام رضا (علیه السلام) بیشتر به چشم می‌آید. رفت و آمدها و محبت‌هایی شکل می‌گیرد. تبادل اجتماعی و تصمیم‌های بزرگی در آنجا گرفته می‌شود. این روحیه‌ی جمع‌گرایی و بودن در جمعیت، نقطه‌ی مقابل اتفاقات زمانه‌ی ما است که فردگرایی و ایندیویژوالیسم^{۲۱} و رفتن در لاک خود و منفعت‌گرایی بر روابط انسانی حاکم است. عشق و ایثار و دلدادگی و خدمت به همدیگر و محبت کردن، وجود دارد. بر سر محبت، خدمت به یکدیگر، واکس زدن کفش، غذا و جا دادن برای استراحت شب و برآوردن نیازمندی‌های زائران مسابقه می‌دهند. در اربعین جلوه‌های خاص تعاون و همکاری مشاهده می‌شود؛ همانی که خداوند به ما فرمانش را داده و فرموده است: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا

تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ؛^{۲۲} به یکدیگر بر انجام کارهای نیک و پرهیزگاری، کمک نمایید».

سازماندهی ولایی اربعین

از نظر سیاسی بزرگ‌ترین تشیکل و سازماندهی و حرکتی است که بر محوریت امام حق در حال انجام است. حسین زمان ما، حضرت بقیت‌الله الاعظم (عجل‌الله تعالی فرجه شریف) است. در سازماندهی ولایی در عصر غیبت، همگام با ولی فقیه رشید، شجاع و عالی‌قدر این سازماندهی در حال شکل‌گیری است. از جهت سیاسی آرمان حسینی را که آرمان غدیر است، پیگیری می‌کند. همه‌ی اینها زیر پرچم غدیر جمع هستند. اجتماع اربعین یک نه و یک آری دارد: «نه به سقیفه، آری به غدیر». به غدیر و علی بن ابیطالب (علیه السلام) و نظام ولایی که تأمین‌کننده‌ی خوشبختی بشریت و حیات‌آفرین است و حیات طیبه می‌آورد، آری می‌گوید. به سقیفه و سقیفه‌گرایی و جلوه‌های قدیم و جدیدش و سکولاریسم، نه می‌گوید. به‌خصوص اکنون که بدون تقیه است. در گذشته، اجداد ما وقتی می‌خواستند راجع به حب علی بن ابیطالب (علیه السلام) و غدیر بگویند، باید صد جور تقیه می‌کردند. عصر ما عصر برداشته شدن تقیه است. دوستان حضرت با سربلندی در اربعین، عشق علی بن ابیطالب (علیه السلام) و آرمان و ولایت او را فریاد می‌زنند. از نظر جهانی هم برای شیعه آبرو، عزت و شکوه به‌وجود آورده است. دهها میلیون جمعیت کنار هم ذیل این حرکت بزرگ قرار می‌گیرند و شیعه را تقویت روحی می‌کند. به‌عنوان مثال گروهی که از کشور دیکتاتوری یا تحت شرایط نامناسب و فشار آمده‌اند، مانند قطرهای، به رود خروشان متصل می‌شود و همراه با این رود خروشان به دریای

عشق حسین (علیه السلام) در کربلا می‌پیوندد. به این ترتیب تجدیدقوا می‌شود.

وقتی به بحرین و نیجریه و... برمی‌گردند، چه طوفانی می‌کنند؟! اکنون که قدرتمند برمی‌گردند، متوجه می‌شوند در عالم تنها نیستند. در کنارش هم فرصت طرح مسائل جهانی شیعه است. به‌تازگی در کنار حرکت اربعین روابط بین‌الملل شیعی با سرعت عملیات می‌کند و فعال شده است. دانشجویان مسلمان که از سراسر جهان می‌آیند، در کربلا اجلاس دانشجویان تشیع شکل می‌گیرد و با هم پیوند می‌خورند. باید منتظر اتفاقات دیگر در آینده بود.

برای جهان معاصر ما اربعین ذیل آرمان غدیر، پیام اخوت، مهر، صلح، محبت، دوستی، عشق و صفا را دارد. جهانی که از این‌گونه چیزها خالی و آکنده از خشونت‌ها، نابرابری‌ها، ستم‌ها، کینه‌ها و نفرت‌ها شده است، ناگهان جلوی خودش یک تابلو می‌بیند که با عشق، صفا، ایمان، دلدادگی و محبت رنگ‌آمیزی شده است. این صحبت‌ها نوعی شکرگزاری نیز هست؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ»^{۲۳} و از نعمت پروردگار خویش سخن گوی». باید راجع به اربعین بسیار گفته شود. البته در این سفر احساس‌ها، شور‌ها، اشک‌ها و عشق‌ها قابل توصیف نیست.

اربعین محصول کار زینب است

این سفر به تصرف حضرت زینب (سلام الله علیها) است؛ زیرا اربعین برای زینب (سلام الله علیها) و به نام او است. اربعین ساخته و پرداخته‌ی زینب کبری (سلام الله علیها) و امام سجاد (علیه السلام) است. به تصرف و توجه قدسی اولیاء خدا و شخص بقیت‌الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه

شریف) برای زائر در این مسیر، گوشه‌ای از پرده‌ی حادثه‌ی کربلا را کنار می‌زنند. درک زائر اربعین از حقیقت حسینی حتی نسبت به حادثه متفاوت می‌شود. آن زمان است که روضه‌هایش، روضه‌ی دیگری می‌شود. اسم امام حسین (علیه السلام) را که می‌بری، صدایش به اشک و آه بلند می‌شود. مگر می‌شود برای زائر حسینی روضه خواند؟ یک گوشه‌ی روضه را که می‌گویی، طوفان و غوغایی به پا می‌شود.

رسالت اربعین

اربعین حلقه‌ی اتصال بین یک منبع عظیم تمام‌نشده‌ی به نام کربلا، عاشورا، اباعبدالله (علیه السلام) و آرمان مهدوی است. اربعین ما را به کربلا و حسین (علیه السلام) برمی‌گرداند. به ما گوشزد می‌کند که باید به او مراجعه کنیم؛ زیرا فرهنگ معیار و مرجع است. باید عاشقانه، عارفانه، متذکرانه و با توجه و عطش برگردیم تا خط نجات، یعنی نقشه‌ی راه سعادت دنیا و آخرت خود را از آنجا دریافت کنیم.

این رسالت اربعین است. هیچ نبی و ولی‌ای اربعین ندارد و این، فقط به امام حسین (علیه السلام) اختصاص دارد؛ مثل خیلی چیزهای دیگر که جزء خصائص الحسین (علیه السلام) محسوب می‌شود.

رابطه‌ی اربعین و ظهور

سرمایه‌گذاری امام حسین (علیه السلام)، فقط و فقط برای جهان‌گیر شدن اسلام و اقامه‌ی قسط و عدل جهانی و رسیدن همه‌ی بشریت به سعادت و خوشبختی زیر پرچم توحید است. اما این سرمایه‌گذاری به‌وسیله‌ی یادگار سیدالشهدا و اولیا خدا (علیهم السلام)، یعنی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) محقق می‌شود.

او وقتی خود را از کنار کعبه معرفی می‌کند، می‌فرماید: «أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِّي الْحُسَيْنَ قَتَلُوهُ عَطْشَانًا؛^{۲۴} ای اهل جهان، جد من، حسین را تشنه‌کام کشتند». در آن اعلام، حضرت روضه می‌خوانند و با روضه‌ی حسین (علیه السلام) ظهور آغاز می‌شود. شعار یاران حضرت نیز این است: «يَا لَثَارَاتِ الْحُسَيْنِ؛^{۲۵} ای خون‌خواهان حسین». لذا طی یک تحلیل، که البته جای توضیح دارد، با طیب خاطر و از عمق جان می‌گوییم که از نشانه‌های امیدبخش ظهور در زمانه‌ی ما، اجتماع اربعین است.

«لَيْبِكَ يَا حُسَيْنَ» که شعار فراگیر اربعینی‌ها شده، درحقیقت «لَيْبِكَ يَا مَهْدِيَّ» است. این لشکری است که در حال سازماندهی است و از سراسر عالم، به هم پیوند می‌خورند. اتفاق بسیار عجیبی است و اصلاً عادی نیست.

پس اگر حسین (علیه السلام) و معارف زلال، جذاب و راهگشای حسینی - که عصاره و خلاصه‌ی همه‌ی معارف قرآن و عطرت است - شناخته شود، مقدمات ظهور فراهم می‌شود. پس فراگیر شدن این شناخت، از علائم و نشانه‌های ظهور است.

زمانه‌ی ما، زمانه‌ی عجیبی شده و نشانه پشت نشانه و علامت پشت علامت از راه می‌رسد. این اجتماع عظیم جهانی با خصوصیتی که عرض کردم، یک اتفاق کاملاً متفاوت است. با اربعین، بین‌المللی و فراگیر شدن معرفت حسینی اتفاق می‌افتد. اربعین، کربلا را تفسیر، شرح و تکثیر می‌کند. به این ترتیب می‌شود گفت که خود این اجتماع عظیم که طراح اولیا خدا و درحقیقت طرح و نقشه‌ی خود حضرت حق است که به دست دوستان امام حسین (علیه السلام) در حال اجرا است و به وسط صحنه جهان آمده و

۲۴. علی بن زین العابدین یزدی حائری، الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۸۲.

۲۵. شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا (علیه السلام)، ج ۱، ص ۲۹۹.

ویژگی‌های منحصر به فردی دارد، یکی از علائم و نشانه‌هایی است که می‌توان به آن تکیه کرد.

انقلاب ایران، زمینه‌ساز اتفاق بزرگ ظهور

امروزه در سراسر جهان در مورد امام حسین (علیه السلام) مطالعه می‌شود و به اذن الله این گرایش در حال فراگیر شدن است. این کار بزرگی بود که مردم فهمیده، مؤمن، ولایت‌مدار و عاشق اهل بیت در ایران عزیز آغاز کردند، و امروز شهدای حرم آن را ادامه می‌دهند. باید قدر دانست و مثل جان از آن نگهداری کرد. امیدواریم کسانی که در این نظام نورانی مسئولیت دارند، پاک و تمیز و حسینی زندگی کنند و خودشان و اطرافیان و مجموعه‌های خود را پاکیزه نگاه دارند. این نظام متکی بر این خون‌های مقدس است و پیام‌آور امید برای ایرانیان و جامعه‌ی جهانی سرخورده از ظلم‌ها و ستم‌ها است. رهبری فرزانه، عادل، شجاع، قوی، حماسه‌جو و خردمند دارد.

همه باید خود را زیر این پرچم تعریف کنند و با این ارزش‌ها هماهنگ شوند و یادشان باشد ساختن این نظام و ایران عزیز، متناسب با الگوی علوی و حسینی، اصلی‌ترین راه برای مقدمه‌سازی ظهور پسرور امام عصر خواهد بود. همه باید عاشقانه کار کنند و از شهدای عزیز حرم، درس جوانمردی، مروّت و شجاعت بگیرند و بر خود و خواهش‌های خود مسلط باشند و عزیز باشند و عزیزانه کار کنند و بهترین خدمت‌ها را به مردم عزیز ایران داشته باشند. بهتر از این مردم کجا هست؟! باید بایستند و عاشقانه خدمت کنند.

پیام‌های اربعین برای دوستان و دشمنان

حرکت اربعین به یک حرکت جهانی تبدیل شد و پیام آن صلح، صفا، عشق، لطف، محبت، امن و امان است. البته برای دشمنان

بشریت و اسلام، پیام متفاوتی دارد. وقتی این جماعت «لیبک یا حسین» می‌گویند، موجی حماسی ایجاد می‌شود که برای انسان‌های پاک؛ آرام و عاشقانه و پر از مهرورزی و محبت است. در عین حال برای ظالمان و یزیدیان زمان، پیام مرگ دارد و آکنده‌ی از عزت و شکوه و صلابت است.

انصار المهدی در کربلا به هم می‌رسند و یکدیگر را می‌شناسند و آنجا محل معارفه است. چند سال پیش اولین همایش جهانی دانشجویان شیعه در کربلا و در روز اربعین تشکیل شد. جوانان دانشجوی از سراسر عالم می‌آیند و آنجا همایشی جداگانه برای خود دارند.

عواطف و ارتباطات و احساسات خوبی شکل می‌گیرد و روحیه‌ی بصیرت و شجاعت و حماسه، در آنان افزایش می‌یابد. افراد با خودشان از کربلا پیام حسینی را می‌برند و سال بعد عده تازه‌ای می‌آورند و این موج همچنان ادامه دارد. این‌شاءالله روزهای بزرگی را که در پیش است، خواهید دید.

دقیقاً در نقطه‌ی مقابل که جبهه‌ی یزیدی و بوسفیانی زمان ما است، درهم‌ریختگی ایجاد شده و اوضاعشان روزبه‌روز خراب‌تر می‌شود و دچار آشفتگی و حیرت و احساس شرمندگی هستند. مشاهده کردید در آمریکا چه شد! مرکز اصلی سازمان‌دهی جبهه‌ی دشمنان حسین بن علی (علیه السلام)، آمریکا و عقبه‌ی صهیونیستی است و اعوان و انصاری در گوشه و کنار جهان دارند که در منطقه‌ی ما، رژیم خبیث آل سعود است. رسوایی‌ها و افتضاحات آنها را ببینید.

نقش اربعین در تقویت اتحاد و همدلی شیعیان

امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در نامه‌ی خود به شیخ مفید، خطاب به شیعیان اعلام کرده که اگر شیعیان ما دل‌هایشان به هم پیوند

بخورد، دیری نخواهد پایید که به ما خواهند رسید.^{۲۶} حال چه چیزی می‌تواند دل‌های شیعیان را به هم پیوند بزند؟ حسین (علیه السلام). حب‌الحسین معجزه می‌کند: همه را جمع می‌کند، همه را کنار هم قرار می‌دهد، کینه‌ها و دلخوری را برطرف می‌سازد، مشکلات را حل می‌کند، سوءتفاهم‌ها را جمع می‌کند. این از کرامات حسینییه است.

استکبار بین دو کشور شناخته‌شده‌ی شیعه در دنیا، جنگ راه انداخت. صدام دیوانه، ملعون، احمق، خودخواه و متکبر با تفکر یزیدی‌اش، واسطه‌ی اجرای نقشه‌ی شوم دشمنان اسلام شد و اوایل انقلاب اسلامی جنگی راه انداخت که هشت سال طول کشید. تمام جریان استکبار هم به کمکش آمدند. فرهنگ حسینی، حرکت ناب و زلال مردم را بر این مهاجم دیوانه، با وجود پشتوانه‌ی ابرقدرت‌ها، پیروز ساخت.

جنگ تمام شد، اما تبعات آن بر جای ماند. یکی از مهم‌ترین تبعاتش این بود که بین دو کشور مسلمان و برادر، با اکثریت شیعه - یکی اکثریت قریب به اتفاق و دیگری با اکثریت قابل توجه - خونریزی شد و حدود پانصد هزار کشته از دو کشور باقی ماند. حال چگونه می‌توان این دل‌ها را دوباره به هم نزدیک کرد؟ کشورهای را سراغ داریم که چند ده سال از جنگ بینشان می‌گذرد، ولی هنوز از یکدیگر کینه دارند. مثلاً بین کره و ژاپن جنگی رخ داد و از هم کشته گرفتند. من از نزدیک دیده‌ام که بعد از این همه سال، بینشان تنفر حاکم است. اسم کشور مقابل را که می‌آورید، حالشان بد می‌شود! نمی‌خواهند اسم کشور مقابل را بشنوند. در موزه‌ی جنگ دائماً جنایات یکدیگر را ارائه می‌کنند. اما

۲۶. فضل بن حسن طبرسی، احتجاج، ج ۲، ص ۵۹۷.

اینجا را نگاه کنید؛ معجزه‌ی امام حسین (علیه السلام) مثل یک بارش بهاری آمد و همه‌ی کینه‌ها را زدود و کدورت‌ها را شست.

در سفری، عزیزی در موبی که در راه بود، برای ما تعریف می‌کرد که: در خانواده‌ی ما چند نفر در جنگ ایران و عراق کشته شدند. ما آماده بودیم که به هر شکلی که شده، دوباره حمله کنیم و انتقام بگیریم. اسم ایران که می‌آمد، حالمان بد می‌شد. اما الان نمی‌فهمیم چه شده که عاشق ایرانی‌ها شدیم و برای زائران ایرانی می‌میریم. فرزندان ما در جنگ با آنها کشته شده، اما دعوتشان می‌کنیم، به خانه‌ی خودمان می‌آوریم، پذیرایی می‌کنیم، لباس‌هایشان را می‌شوئیم، دست و رویشان را مرتب می‌کنیم.

این معجزه‌ی امام حسین (علیه السلام) و اربعین است. کسی که می‌تواند دل‌ها را جمع کند، دوستانه کنار هم قرار دهد و به هم گره قلبی بزند، از تعلق و تعصب این شهر و آن شهر و این کشور و آن کشور و این جغرافیا و آن جغرافیا و این فرهنگ و آن فرهنگ خارج سازد، به آن نگاه جهانی دهد، همه‌ی اقوام و گروه‌ها را با وجود مشکلات و کدورت‌ها، کنار هم جمع کند و زیر یک خیمه قرار دهد تا اشک بریزند و همدرد و هم‌فهم شوند، فقط و فقط کرامت‌الحسین (علیه السلام) است. این معجزه‌ی حسین است که در واقع معجزه‌ی اسلام و پیامبر (صلی الله علیه و آله) است و از آیات بزرگ خدا محسوب می‌شود.

فصل پنجم

وظایف شیعیان در قبال اربعین

تلاش برای شناخت همه‌جانبه‌ی اربعین

اتفاقاتی با سرعت در حال رخ دادن است؛ لذا باید بایستیم و بیندیشیم. انقلاب اسلامی یکی از آن اتفاقات اساسی و بزرگ زمان ما در مسیر ظهور بود. پشت سرش هم اتفاق پشت‌اتفاق و نشانه‌پشت‌نشانه می‌رسد. اربعین یکی از آن نشانه‌های بزرگ است.

اکنون وظیفه‌ی ما چیست؟ اولین وظیفه‌ی ما عبارت است از شناخت. مسئله، مسئله‌ی عادی نیست. مگر می‌شود به‌آسانی ۲۵ میلیون نفر را جمع کرد؟ آن‌هم با آن ویژگی‌ها. بیست نفر را هم نمی‌توانند در دنیا با این شکل جمع کنند. چه کسی این کار را می‌کند؟ چه دستی صحنه را مدیریت می‌کند؟ جز دست خدا؟ جز یدالله؟ جز عین الله؟ جز وجود مقدس حضرت مهدی (علیه السلام)؟

پس وظیفه‌ی اول اینکه زمانه آستن حوادث بزرگ است و نمی‌توانیم از کنار چنین نشانه‌ای بی‌توجه عبور کنیم. باید بایستیم و نشانه‌ی خدا را مطالعه کنیم. خدای متعال در قرآن از کسانی که نشانه‌های او را دست‌کم می‌گیرند و برخورد سطحی با آیات الهی دارند، گله دارد و آنان را توبیخ می‌کند: «وَكَايِنُ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ»^{۳۷} و چه بسیار نشانه‌ها در آسمان‌ها و زمین که بر آنها می‌گذرند، در حالی که از آنها روی برمی‌گردانند». نمی‌توانیم رد شویم. بایستیم، درنگ کنیم، ذکر داشته باشیم، فکر داشته باشیم، مطالعه داشته باشیم، عمیق شویم تا بشناسیم. شناخت اربعین وظیفه‌ی اول شیعه‌ی امروز است.

شکر گزاری

کار دومی که باید انجام دهیم، توجه پیدا کردن به قاعده‌ی شکر است که چه نعمت بزرگی در دسترس ما قرار گرفته است. نعمت، شکر جمعی و فردی می‌خواهد. باید در برابر این نعمت بزرگ، حالت شکر داشته باشیم. بخشی از شکر زبانی است؛ این دستور قرآن است: «وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ»^{۲۸} و از نعمت پروردگار خویش سخن گوی.»

ولی بخش زیادی از شکر عملی است و باید در عمل شکر کنیم. شکر عملی چیست؟ به نظرم اولین نکته‌اش این است که خودمان را برای حضور در این کار بزرگ آماده سازیم؛ نه به عنوان یک امر مستحبی، بلکه به عنوان یک وظیفه و امر واجب. همه‌ی دوستان حضرت هر کجا که هستند، باید برای حضور در اربعین برنامه‌ریزی کنند. باید در دستور کار زندگی ما بیاید و خودمان را برای حضور مهیا سازیم تا شکر عملی نیز به‌جا آورده باشیم.

تقویت همایش اربعین به هر شکل ممکن

هر مقدار برایمان ممکن است، این کار بزرگ را تقویت کنیم. خیال نکنید وظیفه عده‌ی خاصی است، همه بدون استثنا وظیفه داریم؛ منتها بعضی‌ها وظیفه‌شان سنگین‌تر است و بعضی‌ها کمتر. تمام دوستان حضرت، هر کجای عالم که باشند، درباره‌ی اربعین وظیفه دارند. کمک فکری، کمک مالی، امکاناتی و... به این فکر کنید که چه کارهایی می‌توانید انجام دهید و گمان نکنید که نمی‌توانید کاری انجام ندهید. به هر حال حداقل یک کار از شما برمی‌آید.

پس غیر از حضور، باید فکر کنی که چه کاری می‌توانی انجام دهی و از تو چه کاری برمی‌آید. می‌توانید تضرع و دعا کنید برای

کسانی که مشرف شده‌اند و افرادی که بعدها مشرف خواهند شد. دعا کنید همه‌ی دوستان حضرت موفق به زیارت اربعین شوند. آنهایی را که موفق شدند، یک‌جور دعا کنید، برای آنهایی که نرفته‌اند نیز به گونه‌ی دیگری دعا کنید.

ارادتمندان امام حسین (علیه السلام) باید آن روز خاص و آن ایام ویژه، خود را به کربلا برسانند. ما فهمیدیم که چه زمانی باید برای دعوت از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جمع شویم. این طور می‌شود حضرت را دعوت کرد. پس ببین که چه کار می‌توانی بکنی؟ از هیچ کاری دریغ نکن. کمترین امکان مالی در توانت را نذر کن. در بین دوستان حضرت و رفقای خودتان، تشویق کنید، ترویج کنید، بگویید، تصمیم بگیرید، آنها را در این باره آگاه سازید، مخصوصاً جوان‌ها را؛ چراکه این راه، برای جوان‌ها است.

در برابر شیاطین که می‌خواهند اربعین و این زیبایی‌ها و جلوه‌های ناب که از آزادگان عالم دل می‌برد، شناخته نشود، شما برای خودت سهم تعریف کن که حتماً در ترویج اربعین کاری کنی. مطلب بنویسید، مطالب نوشته‌شده را منتشر کنید، کلیپ‌ها و مستندات را در فضای مجازی بگذارید. نکند کوتاهی کنید!

ما به عنایت پروردگار متعال، خط همدلی و شهد همکاری‌های عاشقانه را در هیئت خودمان تجربه کرده‌ایم. شما سالانه به نام سیدالشهدا (علیه السلام) اینجا جمع می‌شوید و در پرتو عرض ارادت و عشق و محبت به سالار شهیدان، به همدیگر ابراز محبت می‌کنید. بسیاری از خانم‌ها و آقایان خادم می‌شوند و همه سعی می‌کنند برای امام حسین (علیه السلام) کاری کنند. خیلی‌ها ایتان نذری می‌آورید. برنامه‌ریزی جدی داشته باشید برای تقویت مراکز و مجالسی که به نام حسین (علیه السلام) تشکیل می‌شود. به همین نسبت باید برویم

زیر آن حرکت عظیم و گسترده و آنجا هم همین همدلی‌ها، رفاقت‌ها و محبت‌ها را ترویج کنیم.

مهم‌ترین و بهترین کمک ما به پیامبر اعظم، سیدالشهدا و اولیا خدا (علیهم السلام) - که درحقیقت موجب خوشبختی خودمان می‌شود - یاری دوستان حضرت است. نذر کنید، نیاز کنید، دستشان را بگیرید، کمکشان کنید، به آنها محبت کنید، هوایشان را داشته باشید؛ مخصوصاً اگر در غربت و محیط‌های متفاوت هستند مهر و محبت و عواطف و ارتباطات و خدمت‌رسانی‌هایتان را چند برابر کنید. همه را هم برای امام حسین (علیه السلام) نذر کنید. این کارها را باید انجام دهیم و از اربعین این برنامه را بگیریم و تقویت کنیم تا در اربعین دیگر، کار را چندین قدم جلوتر و فراتر ببریم.

خودسازی روحی، مهارتی و جسمی

باید باسرعت خودمان را بسازیم؛ زیرا کارها و رسالت‌های بزرگی فراروی ما قرار دارد. از نظر اخلاقی بیشتر از قبل خودمان را بسازیم. اربعین به ما می‌گوید: بجنید تا جا نمانید. دوستان حضرت باید خود را از نظر تقوایی، اخلاقی، فکری، علمی و مهارتی قوی کنند. باید به جسمتان هم پردازید، حضرت یار قوی می‌خواهد. برای حضور در سلسله‌ی انصارالمهدی، انسان‌های قوی از نظر ایمان، فکر، اخلاق و جسم باید به میدان بیایند. ورزش کنید به نیت یاری امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف). به سلامت خودتان و بچه‌هایتان اهمیت دهید و برای آن کار بزرگ، خودتان را آماده سازید.

اربعین به ما می‌گوید: دیر نکنید. از نظر علمی، جوانان شیعه باید رتبه‌های نخست درسی و علمی را به خود اختصاص دهند. نمی‌شود از دیگران کم بیاورند. باید عاشقانه و حسینی درس بخوانند.

جهانی فکر کردن و جهانی عمل کردن

فکر و ذهنمان را جهانی کنیم. زیر آرمان و پرچم حسینی و پرچم امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار گرفتن، نگرش جهانی و فکر بین‌المللی می‌خواهد. دوستان حضرت باید ذهنیت جهانی و نگرش اصلاح جهان داشته باشند؛ همان‌گونه که امامشان این‌گونه بود: «وَبَدَلَ مَهْجَتَهُ فَبِكَ لَيْسَتْ تَقْدَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةَ الضَّلَالَةِ؛^{۳۹} و جانش را در راه تو بدل کرد، تا بندگانت را از جهالت و سرگردانی گمراهی برهاند». نگفته: «لَيْسَتْ تَقْدَ مُؤْمِنِينَ» یا «لَيْسَتْ تَقْدَ شِيعَةَ»؛ بلکه فرموده: «لَيْسَتْ تَقْدَ عِبَادَكَ». حسین می‌خواهد بندهای تو را که اسیر و گرفتار جهالت یا ضلالت هستند، نجات دهد؛ از هر قوم و ملیتی باشد، فرقی نمی‌کند.

تو اگر یار حسین هستی، همه‌ی آنها مخاطبان تو هستند، هر جای عالم که باشند. آن را قدر بدانید. البته در قبال سایر مسلمانان، وظیفه‌ی ما وحدت، اتحاد و ارتباط محترمانه است؛ ارتباطی که بتوانیم آنها را جذب کنیم و نخاله‌ها و تفاله‌هایی را که متأسفانه اسم اسلام را یدک می‌کشند، ولی از اسلام هیچ بویی نبرده‌اند، کنار بزنیم. آنها به اسلام ربطی ندارند. داعش کجایش به اسلام رفته؟ گروه‌هایی شبیه آن چه شباهتی به اسلام دارند؟ بازپچه‌ی دست استکبار هستند، برای ضربه زدن به آرمان‌های اسلام. چه کسی جز شما باید بچه‌های ضعیف را از دست آنها نجات دهد؟

باید متفکران مذاهب مختلف اسلامی کنار هم جمع شوند و خوش‌فکرها دست‌به‌دست هم دهند تا داعش و امثال آن را برچینند. امام راحل و آقا بر «وحدت» تأکید داشتند. نباید بگذاریم

۳۹. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت اربعین.

جوانان ما صید این جماعت کثیف شوند. شما باید حواستان را خیلی جمع کنید و با آگاه‌سازی جلوی دشمن را بگیرید.

اطاعت و یاری ولیّ فقیه جامع‌الشرایط

اینها بخشی از وظایفی است که این روزها به عهده‌ی همه‌ی ما است. باید وظیفه‌مان را انجام دهیم و در کنار آن، یادمان باشد کسی که ما را به مقصد می‌رساند، به اذن الله تبارک و تعالی، وصل بودن به نقطه‌ی مرکزی عنایت الهی است. آن نقطه‌ی مرکزی است که می‌تواند این سازماندهی را به حرکت کاملاً موفق تبدیل سازد. به ما گفته‌اند در غیبت کبری، باید دست شما در دست ولیّ فقیه جامع‌الشرایطی باشد که زعیم مسلمانان است. زعامت هم با یک نفر است و قابل تکثیر نیست. شیعه در همه‌ی زمان‌ها یک زعیم داشته است. باید با او مرتبط باشند، که نقطه‌ی وحدت و اتصال و ارتباط و عزت و قدرت اسلام است.

خدا را شکر که پروردگار متعال به ما منت گذاشته و بهترین‌ها را در فکر، صلابت، روحیه، جهانی‌نگری و قدرت روحانی به ما داده است. خدای متعال نعمتش را بر شیعه تمام کرده است. البته وجود مراکز دینی و مرجعیتی نیز مغتنم، محترم، عزیز و همه تکیه‌گاه هستند؛ منتها باید خودمان را به آن نقطه‌ی مرکزی و حلقه‌ی اصلی گره بزنیم تا این شبکه و سازماندهی، سازماندهی کاملی باشد.

والسلام

ترکیب «عشق و ایمان» و «عقل و عاطفه» از ویژگی‌های
منحصر به فرد مکتب اهل بیت علیهم‌السلام است و حرکت
عاشقانه و مؤمنانه مردم از کشورهای مختلف جهان در این
پدیده بی‌سابقه، بدون تردید از جمله شعائر الهی است.

مقام معظم رهبری | ۱۳۹۴/۰۹/۰۹